

پیام سندیکای کارگران شرکت واحد اوبوسرانی

پیام سندیکای کارگران شرکت واحد اوبوسرانی تهران
و حومه

به

“شب همبستگی با کارگران ایران” در پاریس

با سلام و خسته نباشید به رفقای گرامی

همچنان که وضعیت آقای رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکا در اطلاعیه های سندیکا شرح داده شده است. پرونده سازی ها علیه ایشان بسیار نگران کننده است. شهابی مرخصی پزشکی اش از سوی پزشکی قانونی تایید شده بود و با موافقت دادستانی با تودیع وثیقه مدتی از حبس خود را در مرخصی بود. محکومیت زندان رضا در تاریخ ۹۴/۰۶/۲۴ و در خلال مرخصی پزشکی به پایان رسید اما دادستانی سند ملک وثیقه گذار را پس نداد و با تهدید شهابی به بازگرداندن به زندان دائما تلاش کرد تا فعالیت های سندیکایی ایشان را متوقف کند. بارها از سوی نیروی امنیتی و دادستانی تهران احضار شد و در مورد فعالیت هایی که در دفاع از حقوق کارگران انجام می داد بازخواست و وی را تهدید کردند که فعالیت های خود را متوقف نکند به بهانه عدم تایید مرخصی اش دوباره زندانی اش میکنند.

با اخطارهایی که دادستانی در مورد ضبط ملک به وثیقه گذار کرد. شهابی مجبور شد هیجدهم مرداد خود را به زندان رجایی شهر معرفی کند پیش از ورود به زندان دادستانی اعلام کرد بود که سه ماه از مرخصی وی مورد تایید پزشکی قانونی نبوده است اما پس از اینکه رضا وارد زندان شد با اینکه نامه آزادی اش به تاریخ ۹۴/۰۶/۲۴ در پرونده اش بود؛ اجرای احکام زندان به وی ابلاغ کرد که ۹۶۸ روز از مرخصی اش را پزشکی قانونی تایید نکرده و غیبت محسوب شده است. رضا برای دادخواهی به ناچار پنجاه روز اعتصاب غذا کرد و اعتراضات و تجمعات قابل توجهی در حمایت از شهابی انجام شد. ایشان اعتصاب غذای خود را به درخواست سندیکا و سایر تشکلات و فعالان کارگری

همچنین قول مساعد مقام ارشد امنیتی مبنی بر رسیدگی به پرونده اش متوقف کرد. اما تاکنون متاسفانه آزاد نشده است و مشخص نیست که تا به کی باید در زندان باشد. نماینده دادستان چند بار در زندان به دیدن رضا رفته و هر بار اعلام کرده که چنانچه تعهد بدهد که فعالیت سندیکایی نمی کند آزاد خواهد شد اما شهابی همچنان درخواست آنان را نپذیرفته است.

رضا بیماری های متعدد دارد پاهایش مکرر بی حس می شود، سردرد های شدید دارد، کلیه اش عفونت کرده و تکرر ادرار شدید دارد اما برای آزار بیشتر وی تحت مداوای جدی قرار نگرفته است.

آقای ابراهیم مددی نایب ریس سندیکا و آقای داود رضوی عضو هیات مدیره سندیکا آخرین بار در نیمه های شب نهم اردیبهشت سال نود و چهار هر یک بطور جداگانه پس از تفتیش منزل بازداشت شدند و پس از ۲۲ روز باداشت موقت بازجویی با قرار کفالت صد میلیون تومانی آزاد شدند. دادگاه بدوی ابراهیم مددی را پنج سال و سه ماه حبس و رضوی را پنج سال حبس محکوم کرده است و در هفته های گذشته دادگاه تجدید نظر هر دو آنها برگزار شده است و با توجه به رویه های موجود متاسفانه احتمال فراوان می رود که آنها را زندانی کنند.

مددی کهولت سن دارد و از بیماری قند خون، پروستات و عدم شنوایی گوش راست رنج می برد و در گوش چپ نیز سمعک استفاده می کند. طی سالیان گذشته به دفعات بازداشت شده و هر بار روزها و ماه ها زندانی بوده و در یک نوبت نیز به سه و سال نیم حبس محکوم و در زندان بوده است.

دوستان گرامی:

خوشبختانه فعالان و اعضای اتحادیه های ایران تنها نیستند. زمانیکه رضا شهابی در زندان بود در بسیاری از کشورها، از جمله کشوری که شما در آنجا هستید؛ فرانسه، اعتراضات زیادی در پشتیبانی از او صورت گرفت که بی تردید در خروج او از زندان به عنوان "مرخصی استعلاجی" بی تاثیر نبود. ما به این تلاش ها ارج می گذاریم و از اهمیت آن غافل نیستیم. هر چه کارگران و حقوق بگیران کشورهای مختلف در همبستگی با یکدیگر فعالیت بیشتری داشته باشند، متقابلاً همدیگر را تقویت میکنند. برای ما این همبستگی بین المللی جایگاه خاصی داشته و موضع ما را در مقابل تعرضات دولت و کارفرماها به حقوق و دست آوردهای ما، تقویت می کند .

امروز نه تنها رضا شهابی در زندان زیر فشار شدید قرار دارد بلکه ابراهیم مددی و داود رضوی نیز در خطر دستگیری دوباره قرار دارند. وظیفه همه ماست که به یاری آنان برخیزیم. ما به این همبستگی اهمیت زیادی می دهیم و برای همین سندیکای ما از همه تلاشها برای آزادی و دفاع از کارگران ایران قدردانی میکند. دست شما را به گرمی می فشاریم.

کمیته حقوق کارگران و زندانیان ایران

تهران ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ ۸ اردیبهشت ۲۰۱۷

محمود صالحی باید به فوریت آزاد شود بیانیه اتحادیه‌های کارگری ایرا ن

برای آزادی محمود صالحی

محمود صالحی فعال با سابقه کارگری که بیشتر عمر خود را در دفاع از حقوق کارگران و ستم‌کشان گذرانده، اکنون مدتی است به عنوان زندانی بر روی تخت بیمارستان در غل و زنجیر است، روشی غیرانسانی و به جامانده از سبعت دوران بردگی؛ و طبق آخرین اخبار قرار است با همین وضعیت دوباره به زندان منتقل شود درحالی که پزشک قانونی خواهان انتقال وی به بیمارستانی مجهزتر برای ادامه درمان است.

او که در سال‌های گذشته تلاش خود را برای ایجاد تشکل‌های کارگری و دفاع از حقوق کارگران لحظه ای متوقف نکرده بود با جسمی رنجور مورد خشم و کینه سرمایه داری حاکم بر ایران قرار گرفته و در یک

پرونده ساختگی ابتدا به 9 سال زندان و سپس به یک سال محکوم شده است.

حکم این فعال با سابقه جنبش کارگری ایران در حالی به اجرا در آمده که وی مجبور است هفته ای دوبار دیالیز شود. کلیه های محمود بر اثر زندانی شدن های مکرر و عدم رسیدگی های درمانی لازم از کار افتاده و علاوه بر این دچار بیماری حاد قلبی نیز شده است.

سرمایه داری حاکم بر ایران گمان می کند با به زنجیر کشیدن محمود صالحی، زندانی کردن رضا شهابی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی، مختار اسدی و محسن عمرانی و ... ، احضار برای اجرای حکم جعفر عظیم زاده، علی نجاتی، علیرضا ثقفی، حکم شلاق برای شاپور احسانی راد، احضار داوود رضوی، ابراهیم مددی برای حضور در دادگاه و ... می تواند جلوی فعالیت های فعالان کارگری و اجتماعی را سد نماید و زحمتکشان را از مبارزه برای دست یابی به حقوق انسانی شان باز دارد.

اما بدون تردید تداوم چنین سیاست هایی، ما تشکلهای مستقل کارگری و طبقه کارگر ایران را بیش از پیش به صحنه مبارزه علیه ستم و بی عدالتی خواهد کشاند.

آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی خواست فوری امضاکنندگان این بیانیه است و ما با هشدار نسبت به وضعیت وخیم جسمانی این فعال برجسته جنبش کارگری ایران، بدین وسیله عواقب ناشی از وارد شدن هرگونه لطمات جسمانی به او را متوجه بالاترین مقامات قضائی و اجرائی کشور می دانیم.

19 آبان 1396

اتحادیه آزاد کارگران ایران

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای نقاشان البرز

کانون مدافعان حقوق کارگر

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

رضا شهابی زندانی سیاسی است

بیانیه جمعی از کارگران، فعالان سیاسی، دانشجویان و دانشپژوهان
برای آزادی رضا شهابی.

رضا شهابی زندانی سیاسی است؛

هرچند خواسته‌های رضا شهابی صنفی، سندیکایی، مدنی، انسانی و تنها
پافشاری بر بدیهی‌ترین حقوق کارگر، حتی در چارچوب نظام
سرمایه‌داری، باشند. در نظامی سیاسی که اعتراض به پایمال شدن
بدیهی‌ترین حقوق کارگر و معلم و دانشجو و هر انسان آزاده با شلاق و
زندان پاسخ داده می‌شود، هر خواسته‌ای انسانی خواسته‌ای سیاسی است.

رضا شهابی زندانی سیاسی است.

جایی که پافشاری بر حق حیات، بر پرداخت حقوق‌های ماه‌ها عقب‌افتاده،
خواست گرسنه نماندن کارگر و خانواده‌اش، خواست امنیت شغلی و
درمانی، خواست زندگی شرافتمندانه و شایسته‌ی کرامت انسانی، خواست
آزادی اعتراض به ظلم و جور، پاسخی جز تحقیر و توهین و ضرب و شتم
و شلاق و زندان نمی‌گیرد، هر خواسته‌ای سیاسی است.

رضا شهابی زندانی سیاسی است.

جایی که احقاق حق در چارچوب قوانین جاری کشور سزایی جز زندان، و
در زندان، محرومیت از بدیهی‌ترین حقوق زندانی را ندارد، خواست
احقاق حق، خواسته‌ای سیاسی است.

جان رضا شهابی در خطر است.

رضا شهابی، زندانی سیاسی دلیر و شریف را آزاد کنید.

زندانیان سیاسی گوهردشت را آزاد کنید.

زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

گردهمایی کارگران شرکت واحد، دانشجویان، بازنشستگان و معلمان

۱۰ صبح دوشنبه ۳ مهرماه در مقابل وزارت کار

برای آزادی کارگر زندانی رضا شهابی



برای آزادی رضا شهابی: نامه سندیکاهای فرانسه به مقامات دولت فرانسه

برای آزادی
رضا شهابی

نامه سندیکاهای فرانسه به مقامات فرانسوی

آقای رئیس جمهوری فرانسه

کاخ الیزه

55، خیابان فوبورگ سنت اونوره

75008 پاریس

پاریس، 14 سپتامبر 2017

آقای رئیس جمهور

سازمان های ما مایل اند توجه شما را به وضعیت آقای رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (ایران) جلب کنند. پس از تحمل 5 سال زندان در گذشته، ایشان دوباره زندانی شده است.

در سال 2010، او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به شش سال زندان محکوم شده است. تنها «جرم» او دفاع از حق اعتصاب و ایجاد تشکلات سندیکائی مستقل بود.

او که به دلایل پزشکی آزاد شده بود، به رغم توصیه پزشک که زندانی شدن او را مناسب نمی دانستند، در 9 اوت امسال مجبور شد برای گذراندن سه ماه باقی مانده از محکومیتش، خود را به زندان رجائی شهر کرج معرفی کند.

مقامات ایرانی به همین نیز بسنده نکردند. به بهانه عدم تطابق قانونی آزادی او در سال 2016 به دلایل پزشکی، مقامات زندان یک سال دیگر به دوره زندان او افزوده اند.

برای اعتراض به محکومیت جدید، رضا شهابی به محض ورود به زندان رجائی شهر، دست به اعتصاب غذا زد. شرایط حبس در این زندان بسیار سخت است.

رضا شهابی از مشکلات سلامتی متعددی رنج می برد (مثل نارسائی کلیه، آرتروز شدید که نتیجه وخامت چهار مهره پشت او ست). در صورت عدم دسترسی به درمان خطر فلجی او وجود دارد.

محکومیت زندان او نقض آشکار حقوق انسانی و کنوانسیون های سازمان جهانی کار است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران عضو این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد است.

علاوه بر مورد رضا شهابی که ما خواستار آزادی فوری اش هستیم، شماری از فعالان سندیکائی دیگر در زندان های ایران می پوسند، از جمله اسماعیل عبدی از انجمن صنفی معلمان و در روزهای اخیر، محمود بهشتی لنگرودی. این زندانیان با خطر محکومیت های شدید روبرو هستند که اجرای حکم به داوری و تمایل مقامات مسئول وابسته است. از بین آنان، می توان از دو فعال کارگری عضو سندیکای شرکت واحد، ابراهیم مددی و داود رضوی و نیز محمود صالحی، مدافع قدیمی حقوق کارگران ایران نام برد. متأسفانه این فهرست کامل نیست. ما برای ارائه پرونده کامل تر آماده هستیم.

در سال 2014 و 2015، دو مسئول سندکائی در زندان فوت کردند. در هر اول ماه مه، تعداد زیادی محکوم می شوند. در جریان دستگیری های پیشگیرنده در آستانه روز کارگر، صدها فعال کارگری برای مدت چند هفته و حتی ماه ها به زندان می افتند. برخی از آنان هنوز در زندان ها می پوسند.

یادآوری می کنیم که سندیکاها در ایران ممنوع اند. فعالیت سندیکائی، فرد را با خطر محکومیت به اعدام، زندان های طولانی، اخراج از کار و حتی مصادره اموال روبرو می سازد.

به رغم عادی سازی ادعائی، نظام سیاسی کشور یکی از سرکوبگر ترین کشورها برای فعالان سندیکائی است. نقض حقوق انسانی بسیار گسترده است. این کشور پس از چین، بزرگترین تعداد اعدام (اعدام های در ملاء عام) را در جهان انجام داده است.

آقای رئیس جمهور، ما فکر می کنیم که در حیطه قدرت شماست تا پیش مسئولان حکومت ایران و به ویژه آقای حسن روحانی که در سال گذشته به دعوت رسمی از فرانسه دیدار کرد، واکنش نشان دهید. زندگی سندیکالیست های محکوم به زندان به آن وابسته است. فرانسه که در سازمان جهانی کار حضور دارد، باید در چارچوب آن بکوشد تا کشورهای عضو این سازمان به مصوبات و کنوانسیون های آن احترام بگذارند. ضروری ست که جمهوری اسلامی ایران احترام به این کنوانسیون ها را در کشورش تضمین کند و نتیجهء عملی آن، آزادی فعالان سندیکائی و زندانیان عقیدتی و توقف قطعی تعقیب کارگران و فعالان سندیکائی ست.

آقای رئیس جمهور، احترامات فائقه ما را بپذیرید.

کامی بلان رئیس عفو بین الملل فرانسه Amnesty Internationale

لوران برژه، دبیرکل سندیکای سِ اِ فِ دِ تِ CFDT،

فیلیپ مارتینز، دبیر کل سِ ژِ تِ CGT،

برنادت گروآزون دبیرکل اِ فِ اِ سِ او FSU،

لوک بری، دبیرکل اونسا UNSA،

اریک برنیل و سسیل گونداری دبیران سندیکای سولیدر Solidaire

آقای ژان-ایو لودریان، وزیر امور خارجه فرانسه

37، خیابان ساحلی اورسِی

75351 پاریس

پاریس، 14 سپتامبر 2017

آقای وزیر

سازمان های ما مایل اند توجه شما را به وضعیت آقای رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (ایران) جلب کنند. پس از تحمل 5 سال زندان در گذشته، ایشان دوباره زندانی شده است.

در سال 2010، او به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» به شش سال زندان محکوم شده است. تنها «جرم» او دفاع از حق اعتصاب و ایجاد تشکلات سندیکائی مستقل بود.

او که به دلایل پزشکی آزاد شده بود، به رغم توصیه پزشک که زندانی شدن او را مناسب نمی دانستند، در 9 اوت امسال مجبور شد برای

گذراندن سه ماه باقی مانده از محکومیتش، خود را به زندان رجائی شهر کرج معرفی کند.

مقامات ایرانی به همین نیز بسنده نکردند. به بهانهء عدم تطابق قانونی آزادی او در سال 2016 به دلایل پزشکی، مقامات زندان یک سال دیگر به دوره زندان او افزوده اند.

برای اعتراض به محکومیت جدید، رضا شهابی به محض ورود به زندان رجائی شهر، دست به اعتصاب غذا زد. شرایط حبس در این زندان بسیار سخت است.

رضا شهابی از مشکلات سلامتی متعددی رنج می برد (مثل نارسائی کلیه، آرتروز شدید که نتیجهء وخامت چهار مهره پشت او ست). در صورت عدم دسترسی به درمان خطر فلجی او وجود دارد.

محکومیت زندان او نقض آشکار حقوق انسانی و کنوانسیون های سازمان جهانی کار است. در حالی که جمهوری اسلامی ایران عضو این سازمان وابسته به سازمان ملل متحد است.

علاوه بر مورد رضا شهابی که ما خواستار آزادی فوری اش هستیم، شماری از فعالان سندیکائی دیگر در زندان های ایران می پوسند، از جمله اسماعیل عبدی از انجمن صنفی معلمان و در روزهای اخیر، محمود بهشتی لنگرودی. این زندانیان با خطر محکومیت های شدید روبرو هستند که اجرای حکم به داوری و تمایل مقامات مسئول وابسته است. از بین آنان، می توان از دو فعال کارگری عضو سندیکای شرکت واحد، ابراهیم مددی و داود رضوی و نیز محمود صالحی، مدافع قدیمی حقوق کارگران ایران نام برد. متأسفانه این فهرست کامل نیست. ما برای ارائه پرونده کامل تر آماده هستیم.

در سال 2014 و 2015، دو مسئول سندکائی در زندان فوت کردند. در هر اول ماه مه، تعداد زیادی محکوم می شوند. در جریان دستگیری های پیشگیرنده در آستانه روز کارگر، صدها فعال کارگری برای مدت چند هفته و حتی ماه ها به زندان می افتند. برخی از آنان هنوز در زندان ها می پوسند.

یادآوری می کنیم که سندیکاها در ایران ممنوع اند. فعالیت سندیکائی، فرد را با خطر محکومیت به اعدام، زندان های طولانی، اخراج از کار و حتی مصادره اموال روبرو می سازد.

به رغم عادی سازی ادعائی، نظام سیاسی کشور یکی از سرکوبگر ترین کشورها برای فعالان سندیکائی است. نقض حقوق انسانی بسیار گسترده است. این کشور پس از چین، بزرگترین تعداد اعدام (اعدام های در ملاء عام) را در جهان انجام داده است.

ما فکر می کنیم که در حیطه قدرت شماست تا پیش مسئولان حکومت ایران و به ویژه آقای حسن روحانی که در سال گذشته به دعوت رسمی از فرانسه دیدار کرد، واکنش نشان دهید. زندگی سندیکالیست های محکوم به زندان به آن وابسته است. فرانسه که در سازمان جهانی کار حضور دارد، باید در چارچوب آن بکوشد تا کشورهای عضو این سازمان به مصوبات و کنوانسیون های آن احترام بگذارند. ضروری ست که جمهوری اسلامی ایران احترام به این کنوانسیون ها را در کشورش تضمین کند و نتیجهء عملی آن، آزادی فعالان سندیکائی و زندانیان عقیدتی و توقف قطعی تعقیب کارگران و فعالان سندیکائی ست.

آقای وزیر، احترامات فائقه ما را بپذیرید.

کامی بلان رئیس عفو بین الملل فرانسه Amnesty Internationale

لوران برژه، دبیرکل سندیکای س_ا_ف_د_ت CFDT،

فیلیپ مارتینز، دبیر کل س_ر_ث_ت CGT،

برناردت گروآزون دبیرکل ا_ف_ا_س_ا_و FSU،

لوک بری، دبیرکل اونسا UNSA،

اریک برنیل و سسیل گوندار دبیران سندیکای سولیدر Solidaire

ترجمه و تکثیر از :

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

اتحاد بین الملل در حمایت از کارگران ایران - پاریس

پیام به کنگره جهانی آی. یو. اف سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

پیام به کنگره جهانی آی. یو. اف

(فدراسیون اتحادیه های کارگری بخشهای صنایع کشاورزی، مواد غذایی،
هتلداری، رستوران، توزیع مواد غذایی و تنباکو)

از سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

ایران ۵ شهریور ۱۳۹۶ برابر با ۲۷ اگوست

دوستان و همکاران عزیز

درودهای گرم و پیام همبستگی ما به مناسبت ۲۷ امین کنگره جهانی آی. یو. اف، از تاریخ ۲۹ آگوست تا ۱ سپتامبر ۲۰۱۷ در شهر ژنو را بپذیرید. کنگره بسیار موفقی را برای پیشبرد منفعت کارگران و تشکلات کارگری در سراسر جهان آرزومندیم. می دانیم که باید در کنار هم ایستاد تا حملات کارفرمایان، شرکت های سرمایه داری و دولت ها به حقوق و دستاوردهای کارگران را به عقب برانیم.

متأسفانه ما به عنوان یک تشکل عضو آی. یو. اف. نمی توانیم در این گردهمائی مهم با شما باشیم. همان طور که بسیاری از شما ممکن است مطلع باشید به دلیل محدودیت های زیادی که به ما تحمیل شده، از جمله جو امنیتی بالا در کشور، ما نمی توانیم به عنوان نمایندگان سندیکا آزادانه فعالیت و یا سفر داشته باشیم. از زمان راه اندازی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اعضای هیأت مدیره و فعالین سندیکا و بسیاری از کارگران هفت تپه هدف آزار و اذیت و پیگردهای

قانونی قرار گرفته اند. در هفته های اخیر شاهد اقدامات سرکوبگرانه علیه ده ها تن از کارگران نیشکر هفت تپه و تشدید فشار بر سندیکا بوده ایم. از جمله بیش از ۶۰ نفر کارگر نیشکر هفت تپه در روزهای اخیر به دلیل شرکت در اعتصاب و به اتهام «تحریک کارگران» دادگاهی شده اند. همچنین شعبه اجرای احکام دادگاه انقلاب اندیمشک در تاریخ ۲۴ آگوست ۲۰۱۷ طی ابلاغیه ای به آقای علی نجاتی، عضو هیأت مدیره سندیکا، از او خواسته است که در ظرف پنج روز خود را برای اجرای حکم زندان آماده کند در غیر این صورت بازداشت خواهد شد. علی نجاتی به اتهامات واهی به ۶ ماه حبس محکوم شده است و در گذشته نیز بارها دستگیر و زندانی شده بود و این حکم علیرغم بیماری قلبی ایشان و تجویز پزشکان مبنی بر عدم حضور در محیط های استرس زا صادر شده است.

طی گزارش های رسیده ده ها تن از کارگران نیشکر ممکن است بزودی به دلیل شرکت در اعتصابات اخیر دادگاهی شوند. همچنین اعضای دیگری از اعضای هیأت مدیره سندیکا به دادگاه احضار شده اند. این اعتصابات به دلیل پرداخت نشدن دستمزد و مزایای کارگران شاغل و بازنشستگان نیشکر هفت تپه و در اعتراض به روند خصوصی سازی شرکت به وقوع پیوستند. خصوصی سازی شرکت از جمله موجب شده است که کارگران امنیت شغلی خود را از دست بدهند، دستمزدهایشان با تأخیر پرداخت شود و نیروهای انتظامی در محیط کار مستقر گردند. متأسفانه در بخش های دیگر کارگری نیز شرایط مشابهی حاکم است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه نیز به طور دائم مورد اذیت و آزار قرار می گیرد. هم اینک آقای رضا شهابی عضو هیأت مدیره این سندیکا از تاریخ ۹ آگوست ۲۰۱۷ در زندان رجائی شهر در اعتصاب غذا به سر می برد.

ما از نمایندگان منتخب در ۲۷ امین کنگره جهانی آی. یو. اف. درخواست می کنیم که نقض مستمر حقوق کارگران در ایران و بازداشت و اذیت و آزار کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم کنند. اقدامات فوری شما از جمله تصویب یک قطعنامه اضطراری در این کنگره بسیار سودمند خواهد بود.

ازهم شما بسیار سپاسگزاریم و برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی داریم.

در همبستگی:

گزارشی از نشست سالانه سازمان جهانی کار

مهدی کوهستانی

هنوز برخی از فعالان کارگری در ایران سازمان جهانی کار را با اتحادیه های کارگری یکی میگیرند، در حالی که ساختار و هدف شرکت کنندگان نهاد کارگری با خود آی ال او متفاوت است.

سازمان جهانی کار نهادی است سه جانبه (دولت، کارفرما و کارگر) که زیر مجموعه سازمان ملل می باشد. هر سال نشست سالانه برگزار می کند، نشست های سازمان جهانی کار در چهارچوب مناسبات دولت (سیاست)، کارفرما (سرمایه) و کارگر (فرشده نیروی کار) در چارچوب سیستم سرمایه داری جهانی قرار دارد.

یکی از مسائل مورد توجه جنبش کارگری ما پذیرفته نشدن نمایندگان حکومت ایران و چرایی عدم جوابگویی رژیم به نقض قوانین پایه ای کارگری است که در اساس نامه آی ال او مانند ماده ۲۴ آمده است: "چنانچه یک انجمن صنفی کارفرمایان یا کارگران شکایتی به دفتر بین المللی کار تسلیم نماید مبنی بر اینکه عضوی در حوزه قضایی خود مقابله نامه ای را که خود یک طرف آن است به هیچ وجه به نحو موثری رعایت نکرده، در آن صورت هیئت مدیره (آی ال او) ممکن است این شکایت را به دولتی که علیه وی به عمل آمده ابلاغ و از آن دولت دعوی نماید هرگونه پاسخی که صلاح می داند درباره موضوع تسلیم کند". و عدم مکانیزم جوابگویی توسط دولت ایران که در ماده ۳۷ اساسنامه و مقابله نامه این چنین آمده است:

یک - هرگونه سوال یا اختلاف در تفسیر این اساسنامه یا هر مقاوله نامه بعدی که به موجب مقررات این اساسنامه توسط اعضاء منعقد می گردد به دیوان بین المللی دادگستری برای تصمیم گیری ارجاع خواهد شد. علیرغم مقررات بند یک از این ماده، هیئت مدیره می تواند قواعدی تدوین و جهت تصویب به کنفرانس تسلیم نماید که در آن پیش بینی شده دیوانی تشکیل گردد تا درباره اختلاف یا مسایل مربوط به تفسیر مقاوله نامه، که ممکن است توسط هیئت مدیره یا طبق شرایط مقاوله نامه بدان ارجاع شود، سریعاً تصمیم بگیرد.

دو- هر حکم قابل اعمال یا نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری برای دیوانی که به موجب این پاراگراف تشکیل می شود، لازم الاجرا خواهد بود. رأیی که چنین دیوانی صادر می کند بین اعضاء و سازمان انتشار خواهد یافت و نظراتی که اعضاء ممکن است درباره رأی ابراز دارند در کنفرانس مطرح خواهد شد." که این موارد در کمیته های چهارگانه استانداردها، اشتغال، حمایت های اجتماعی و حقوق و اصول بنیادین کار که استانداردهای بین المللی کار را در شکل کنوانسیون ها و توصیه نامه ها با در نظر گرفتن حداقل استانداردها درباره حقوق کارگری، آزادی انجمن ها، حق تشکل، داد و ستد، منع کار اجباری، فرصت های برابر و سایر استانداردهای مربوط به موضوعات کاری، تنظیم و تدوین می کند هستند.

اتحادیه های کارگری که متعلق به دو کنفدراسیون جهانی (کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری {آی تی یو سی} و فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری {دبلیوو اف تی یو}) (البته چین متعلق به هیچکدام از این دو کنفدراسیون نیست) در سراسر جهان به نوعی نمایندگان را به اجلاس جهانی کار میفرستند تا آن که اگر بتوانند برای بهبود وضعیت کارگران کشورشان تلاش کنند. نیروی کار در این چهار چوب به عملکرد دولت و کارفرما در سازمان جهانی کار فعالیت می کند. نهادهای کارگری همگام با اعتراض به سیاست های دولتها سعی می کنند الترناتیو این بحران را نشان دهند که در جلسات تخصصی سازمان جهانی کار که به امورمربوط به شاغلین و تنظیم مناسبات سه جانبه ی کارگران و دستمزد و حقوق بگیران، کارفرمایان و دولت ها است کارگاههای آموزشی می گذارند و در جلسات اصلی نیز سخنرانی می کنند در پروسه این جلسات آموزشی از همدیگر می آموزند تا در سازماندهی کارگری نهادهایشان از آن استفاده کنند. پس جنبش کارگری با علم به اینکه رای کلی در دست دولتها است با امکانات موجود قانونی از دولتهاشان بازخواست می کنند و با هماهنگی مشترک

با دیگر نهادهای کارگری به قوانین دولتها اعتراض می کنند، نهادهای کارگری بسیاری را می توان دید که وابسته به دولهایشان هستند و در کشورهای استبدادی همانند ایران مامورین امنیتی جایگزین نمایندگان کارگری می شوند و در همین راستا هر ساله بخش کارگری کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری که در برگیرنده بسیاری از اتحادیه های مستقل کارگری هستند که از نمایندگان تشکل های مستقل در ایران دعوت میکنند تا بتوانند مشکلاتشان را مطرح کنند، و همین بخش است در کمیته آزادی تشکلات مسائل مربوط به حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی کارگران را دنبال می کند و نه سازمان جهانی کار.

ازطرف کارگران ایران در چند دهه گذشته ابتدا کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری (آی سی اف تی یو) و بعد از آن کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) و دیگر کنفدراسیونهای جهانی گزارشات و شکایات را اعلام کرده اند و در جلسات کمیته های متفاوت و در کمیته آزادی تشکلهایی که به نقش حقوق بشر کارگری می پردازند پیگیری شده است.

از طرف رژیم ایران تشکلهای دست ساز دولتی از اواسط دهه هشتاد شمسی شروع به شرکت در نشست کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار کرده اند، هدف آنها این است که نگذارند هیچ شکایتی علیه ایران مطرح شود و تا حد توان جلوی شکایت تشکلات مستقل را بگیرند. از اولین نشست سازمان جهانی کار که در سال ۱۹۹۹ در تهران برگزار شده است تا به امروز هیئت های بسیاری از طرف آی ال او به ایران سفر کرده اند، گزارشات موجود نشان می دهد دیدگاه انتقادی از وضعیت کارگری بسیار بالا است و وضعیت مسائل کار و کارگری بهبودی نداشته است، نه دیدارها در فضا باز بوده است و نه کسانی که وزارت کار به هیئت های تحقیق و بررسی معرفی می کرده نماینده کارگران بوده اند و از طرفی از دیدار نمایندگان مستقل کارگری با این هیئتها جلوگیری می کردند و حتی محل های کاری که از آنها بازدید میشده واقعی نبوده است. در تمامی این سالها یکی از خواسته های اصلی ایران باز شدن دفتر سازمان جهانی کار در تهران می باشد که تاکنون اجرا نشده است. سخنرانی سال گذشته مسئول آی ال او در ایران نیز حاکی از این عدم رضایت آی ال او بود. حتی بر روی سایت آی ال او در رابطه با ایران و گزارشات مربوط به وضعیت کار کودکان، تبعیض در محیط کار - زنان - اقلیتها، ایمنی کار، کار اجباری استراتژی برای رشد اقتصادی جامعه، کار جوانان، زمان کار، استخدام و اخراج، حمایت اجتماعی، گفتگویی اجتماعی، حل و اختلاف کارگری و قرارداد دستجمعی

هیچ گزارشی بر روی سایت آی ال او وجود ندارد.

جنبش مستقل کارگری هر ساله گزارشات خود را از وضعیت کار کودکان، تبعیض در محیط کار - زنان - اقلیتها، ایمنی کار، حق اعتصاب، عدم پرداخت حقوق و آزادی تشکل ارائه می دهد. این گزارشات بطور شفاف انعکاس می یابد و برای تغییر این شرایط، و بهتر شدن زندگی کارگران بسیاری جانشان را از دست داده اند و می دهند. به دلیل بهای بسیار سنگینی که فعالین سیاسی و کارگری داده اند، این شمع فروزان با وجود سرکوب های بسیار، هنوز هم روشن است و هیچ نهاد و شخصی نمی تواند وضعیت جنبش کارگری را نادیده بگیرد. از اواخر ماه ژوئن امسال در جلسات کارگری کمیته آزادی تشکلات راهکارهای مبارزه با سرکوب تشکلات کارگری توسط رژیم و چگونگی بهبود وضعیت کارگران ایران بررسی می شود. مهلت گزارشات دوره ای به سازمان جهانی کار مربوط به مقاوله نامه های (تبعیض) ۹۵، (مزد برابر) ۱۰۰، (تبعیض) ۱۱۱ و (سیاست استخدام) ۱۲۲ ۲۰۱۶ می باشد که ایران موظف است تا ماه مرداد ارائه دهد. بخصوص که وضعیت حقوق بشر کارگری در ایران بحرانی است.

چرا همکاری های بین المللی و شرکت در کنفرانس های سازمان جهانی کار برای رژیم بسیار مهم است؟ اهمیت این مساله ابتدا از بعد اقتصادی و دادن امنیت به سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری و ایجاد رابطه با اقتصاد دلای ایران است که این ارتباطات منجر به خرید کالاها از شرکتهای اصلی اقتصادی است و مهمتر ارتباط گیری مابین شرکتهای انرژی برای ایران مهم است و بعد از آن جنبه تبلیغی آن می باشد، حاکمیت بدینگونه تلاش می کند بر نظرات مردم در جامعه و محیط کار تاثیر بگذارد. کارگزاران رژیم که از نیروهای امنیتی می باشند، بدنبال ایجاد هیاهو و تبلیغات به سود اربابان خود هستند. آنان در نظر مردم و جهانیان وانمود می کنند که کارشان درست است و مشروعیت دارند. گاهی سال ها طول می کشد تا عوارض مخرب تبلیغی این تشکل های دست ساخته و رسانه های حکومتی را خنثی کرد. و این بعد رسانه ای وسیع حکومت ایران و از طرفی سکوت و عدم تحرک خبری از جانب نیروهای حمایت کننده از جنبش کارگری ایران در خارج از کشور؛ میدان را برای تبلیغ و ترویج دروغ در جامعه توسط این نمایندگان به اصطلاح کارگری باز گذاشته، نمایندگان رژیم به محض این که در یک نهاد و نشست کارگری شرکت می کنند، فوراً دوربین ها را در می آورند و شروع به عکس گرفتن می کنند. همین عکس ها زمینه گزارشهای دروغینی می شوند که برای مردم عادی باور کردنش بسیار

راحت است. به عنوان نمونه می توان در سال ۲۰۱۴ که سند پیوستن ایران به مقاوله نامه کار دریایی در سازمان بین المللی کارامضا شد اشاره کرد که در همان زمان یعنی سال ۲۰۱۴ گزارش اش بر روی سایت سازمان جهانی کار به همراه عکس ربیعی و رایدن منتشر شد. اما می بینیم در گزارش نوزده خرداد ۲۰۱۶ که بر روی سایت فارسی مهر منتشر شده است از عکسهای سال ۲۰۱۴ استفاده شده است اما وقتی به سایت انگلیسی مهر مربوط به گزارش ۲۰۱۶ رجوع می شود فقط عکس ربیعی درج شده است. و این بیانگر غیرواقعی بودن گزارشهای منتشره حکومت می باشد که از هر شرایطی برای بازی سیاسی اش استفاده می کند.

در سایتها نامه ای از طرف هیئت اجرایی ایران تریبونال چاپ شده است که طی نامه ای به مدیرکل سازمان جهانی کار برای عکس گرفتن کنار ربیعی اعتراض کرده است در حالیکه اپوزیسیون رژیم علیرغم بهره مندی از کادر حقوقی مجرب با تاخیر و نادانسته به عکس و عملکرد دوسال پیش رایدن و ربیعی در سال ۲۰۱۶ اعتراض دارند. انتظار است با تجربه ای که در زمینه کشتار زندانیان دهه شصت داشته و دادگاه تریبونال تشکیل داده، می بایست به محض انتخاب شدن ربیعی به عنوان وزیر کار شکایتی تنظیم کرده و به دادگاه جنایی بین المللی برای جنایات ربیعی در دهه شصت ارسال می داشتند و نباید حتی بدون یک تحقیق درست تنها به عکس العمل در برابر خبرهای منتشر شده در سایتهای رژیم اکتفا کنند. البته سال ۲۰۱۴ تنها نماینده "کارگری" ایران یاراحمدی است و اعتبارنامه ایشان زیر سوال رفته بود از طرف تشکلات کارگری. باید گفت که حتی امضای آن مقاوله نامه کشتیرانی از طرف ایران بسیار زیرکانه بود و فقط برای دور زدن تحریمها استفاده می شد. مورد دیگر مقاوله نامه شماره ۱۳۸ که به تعیین سن حداقل کار است که ایران ادعا می کند امضا کرده است که سایت سازمان جهانی کار خلاف آن را ثابت می کند. بخوبی می دانیم که در یک مورد بسیاری در آی ال او و رژیم ایران آگاه هستند: نه ایران خواستار تغییراتی بنفع کارگران در چهارچوب ابتدایی ترین اصول مربوط به وضعیت کار و کارگران است که بتواند در سطح بین المللی فعالیت کند و نه نهادهای کارگری جهانی حاضرند در مقابل این وضعیت کارگران ایران سکوت کنند.

هر ساله برای نشست ادواری آی ال او در رابطه با نقض مقاوله نامه های بنیادی کار، آی تی یو سی گزارشات مستندی میفرستد. این گزارشات که بسیار تخصصی است توسط وکلا با تلاش شبانه روزی ارائه می شود. یعنی اگر ایران مورد سوال قرار می گیرد بر اساس همین

گزارشات است در غیر این صورت دولت ایران نگرانی برای جوابگویی ندارد. در رابطه با کمیته آزادی تشکلات نیز این گزارشات توسط نهادهای مستقل کارگری ایران با حمایت آی تی یو سی و کنفدراسیونهای آی یو اف، آی تی اف، کنفدراسیون معادن و پتروشیمی، آموزش بین الملل و دیگر کنفدراسیونها برای آی ال او فرستاده می شود.

شارون بارو دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری در اطلاعیه مطبوعاتی این نهاد هم زمان با شروع نشست کنفرانس سازمان جهانی کار در رابطه با گزارش آمار سالیانه وضعیت حقوق بشر سال ۲۰۱۶ این کنفدراسیون اعلام کرد ترکیه، کامبوج، هند، ایران و چین در صدر جدول ناقضین حقوق کارگران و در ردیف بدترین وضعیت سرکوب حقوق کارگران در جهان قرار دارند. گزارشات آماری سالانه نیز تا به امروز بهمین روال ارائه شده است و نشان می دهد که وضعیت حقوق بشر کارگری بدتر شده است. البته بعضی سندیکاها، افراد و تشکلات مستقل کارگری ایران گزارشات خود را مستقیما هم برای آی ال او می فرستند که علیرغم سالها فعالیت در این حوزه عجیب است و برای کنفدراسیونها نیزجای سوال است که این گزارشات در رابطه با مسایلی است که بخش عمده آن در گذشته به آن پرداخته شده است و چرا نامه ها خطاب به آی ال او نوشته می شود؟

در تاریخ شش ژوئن در سازمان جهانی کار جورج ماوریکوس دبیر کل فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری سخنرانی کرد و در سخنرانی چند دقیقه ای به نقش امپریالیست در دوران معاصر، خارجی هراسی، پناهندگی و آزادی معاون این کنفدراسیون در زندانهای گواتمالا پرداخت و مضمون این سخنرانی کلی بدون اشاره به اهرم ها و اسم بردن از کشورهای استبدادی بود که حتی به سرنوشت یونان هم اشاره ای نکرد.

نهادهای دست ساز دولتی هر سال با پخش خبر راهی ژنو شدن نمایندگان گروه کارفرمایی و کارگری، خود را مطرح می کنند. گرچه لیست کارفرمایی از سال ۸۹ و در زمان احمدی نژاد با فشار آوردن برای منحل شدن کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی و کانون عالی کارفرمایان به کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران یکی است. اما هر سال نمایندگان بخش "کارگری" بستگی به اینکه کدام جناح دولت، نئو لیبرالها یا جناح سپاه - در قدرت باشند بین سه گروه (خانه کارگر، انجمن اسلامی و کانون انجمن های صنفی کارگران ایران) در گردش است اما در هر صورت لیست کارگری همیشه از نیروهای

امنیتی بوده است. افراد متفاوت بوده اند ولی مقصد یکی. بخش کارفرمایی همیشه از جناح هاشمی رفسنجانی بوده است بنابراین بر اوضاع مسلط است و همین کارفرمایان هستند که برای جلوگیری از هر نوع پارگراف ویژه؛ دولت را نمایندگی می کنند و خود را دولت نشان می دهند. در حالی که نمایندگان دولت و کارگری نهادهای دولتی بعلت تغییرات متعدد نه تنها با فضا و ساختمانها آشنا نیستند بلکه ساختار و سیستم و مکانیزمهایش را بخوبی کانون کارفرمایان نمی شناسند. گزارش سال ۹۲ آنها گویای این واقعیت است.

ولی امسال خبرها متفاوت شد. ایلنا از جانب بخش کارگران ساختمانی نوشت: جای خالی نمایندگان در اجلاس وجود دارد. در آستانه برگزاری یکصد و پنجمین کنفرانس بین المللی که خرداد ماه امسال در ژنو برگزار میشود، یک فعال کارگری معتقد است، جای نمایندگان انجمن های صنفی کارگران ساختمانی در ترکیب اعضای هیات اعزامی کارگری و کارفرمایی ایران به منظور شرکت در این اجلاس خالی است. "

در چند سال گذشته در حمایت جهانی از کارگران ایران آی تی یو سی نام چند فعال کارگر زندانی را در لیست کل آی تی یو سی می آورد این نامها دیگر فقط اسمی بر روی لیست نیستند، کسانی هستند که بخاطر مبارزات کارگری در زندان هستند، این افراد سمبل رنج و مشقات کارگران هستند که همراه با گزارش وضعیت کارگران ایران اعلام و پخش می شود و هر کسی لیست در دست اش باشد می داند که نمایندگان کجا هستند.

گزارش سایت تسنیم در رابطه با نظرات غلامرضا عباسی رئیس هیئت کارگری ایران در اجلاس سازمان جهانی کار را بخوانیم که می گوید "پس اگر می خواهیم کار شایسته را در زنجیره جهانی تأمین به کل جهان تسری دهیم چه بسا بهتر باشد ابتدا صلح را گسترش داده و از این طریق با ایجاد ثبات نسبی امنیت در جوامع به کاهش رکود اقتصادی و ایجاد رونق امیدوار باشیم." این گزارش را با تشکلات مستقل مقایسه کنیم که می گویند: "نهادهای دولتی که با نام نهادهای کارگری فعالیت آزادانه دارند، غیر از همکاری با ارگانهای امنیتی و حراستی و معرفی فعالین کارگری به ارگانهای مذکور، همکاری و شرکت مستقیم در سرکوب اعتراضات کارگری، به راه انداختن راهپیمائیهای نمایی به نام کارگر در حمایت از جناحهای در قدرت، تبلیغات و نمایشات فاشیستی علیه کارگران مهاجر افغانستانی به خصوص در روز جهانی کارگر، تبانی با نمایندگان کارفرمایان و دولت در شورای عالی کار در تحمیل حداقل دستمزد چهار الی پنج برابر زیر

خط فقر به کارگران ایران، چیزی در سوابق خود ندارند." البته اگر به سایت کانون انجمن های صنفی کارگران ایران آقای عباسی نگاه کنید تنها یک استان از سی و یک استان فعال است و آنرا مقایسه کنید با سایت تشکل های مستقل کارگری. طنز ماجرا اینجاست که صحبت های ربیعی و عباسی را حتما یکنفر می نویسد چون تفاوت زیادی با هم ندارند. بخش عمده مطالب مربوط به آی ال او در زمینه مسائل مربوط به آی ال او در سایت کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان می باشد.

اما امسال لیست رژیم قابل تامل است. در بخش کارگری همانند دو سال قبل علی بیگی، نیازی، یارمند، حمزه ای، پور موسی، فیروز آبادی، مطهر و محمودی به ریاست عباسی شرکت دارند. لیست نمایندگان دولت و کارفرماها جداگانه در سایت سازمان جهانی کار موجود است. اما در لیست همیاران وزیر کار، علی ربیعی، نام های عیسی منصوری (معاون وزیر کار)، مهدی علی آبادی (نماینده ایران در سازمان جهانی کار) محمد حسینی (جایگزین بخش بین الملل)، مجتهدزاده (مشاور وزارت کار و تامین اجتماعی) و محبوب (نماینده مجلس) آمده است.

درکتابچه سالانه که در سایت آی ال او درج می شود نام افراد شرکت کننده که دارای اعتبارنامه و حق رأی بودند، به این ترتیب بود: دو نماینده دولت، دو نماینده کارفرما و یک نماینده کارگری وجود داشت. کسانی که به عنوان مشاور در کتابچه آمده بود، عبارت بودند از: شش نفر دولتی، نه نفر کارفرمایی و شش نفر کارگری. اما در انتشارات روز اول ژوئن، این لیست این چنین آمده است: دو نفر دولت، دو نفر کارفرما، هیچ نماینده کارگری (ثبت نام نکرده بوده است) و مشاورین شش نفر دولتی، نه نفر کارفرمایی و یک نفر کارگری ثبت شده است. غلامرضا عباسی در روز جمعه سه ژوئن به لیست آی ال او اضافه شد. بخش کارگری (امنیتی) مشکل گرفتن ویزا را به به گردن غربی ها می اندازند در صورتی که شغل این افراد اصلا معلوم نیست و نهادهایشان نامعلوم!

در سال ۸۹ رژیم با فشار دو نهاد کارفرمایی را منحل کرد و توانست بر سر منافع بقا خود آنها را در یک نهاد واحد قرار دهد و شرکت کنندگان بخش کارفرمایی از کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران هستند. برای آشنایی خوانندگان به نمایندگان کارفرمایی به خلاصه ای از فعالیت آنها اشاره می کنیم.

محمد عطاردیان رئیس کل کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران

و رئیس هیئت کارفرمایی است. ایشان صاحب شرکت ساختمان سازی عطاردیان، توفان سابق است، فقط کافی است به سایت این شرکت سر زد و فهمید در تمامی حوزه‌های ساختمانی از ساخت فرودگاه، بندر، جاده سازی تا محصولات فلزی فعالیت دارد.

محمد مروج حسینی، دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران، ایشان نماینده کارفرمایان در تعیین دستمزد نیز می باشد و معتقد است “تنها ۱۴ درصد اقتصاد در اختیار بخش خصوصی است و در تعیین دستمزد در زمینه صنایعی مانند فولاد و خودرو نقشی نداریم.”

سید حسن افتخاریان که معتقد است قانون مجازات اسلامی برای دست فروشان باید اجرا شود تا از دست فروشی و سد معبر جلوگیری شود.

نصرالله محمد حسین فلاح فارغ التحصیل کاناداست که از نشست هشتاد و دوم کنفرانس سازمان جهانی کار نماینده بوده است. سابقه فعالیت‌های ایشان اینچنین آمده است. “مدیرعامل و عضو هیأت مدیره شرکت‌های نورد و لوله اهواز، لوله و ماشین‌سازی ایران، هپکو، موتوژن، مجتمع فولاد اسفراین / مدیرعامل و عضو هیأت مدیره سازمان مدیریت صنعتی / مدیرعامل گروه صنعتی سپاهان / موسس، عضو هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت توسعه صنعتی مشفق / عضو شورای مرکزی و هیأت مدیره کنفدراسیون صنعت ایران / عضو هیأت مدیره انجمن مدیران صنایع و انجمن صنفی کارخانجات صنعت ریخته‌گری / عضو هیأت مدیره موسسه خیریه علی‌اکبر / عضو هیأت مدیره گروه سنگ زاگرس / رئیس هیأت مدیره شرکت توسعه و تامین شریف / عضو هیأت امنای صندوق بازنشستگی آینده‌ساز / نماینده کارفرمایان ایران در اجلاس هشتاد و دوم سازمان بین‌المللی کار.”

محمدحسین محتاج اله نایب رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی مدیر هتل های زنجیره ای مهر ، اصغر آهنی‌ها نماینده کارفرمایان در هیئت دستمزد سالانه . او کسی است که برای افزایش دستمزد کارگران گفت: “نمی‌توانستیم بدون توجه به شرایط بیکاران و اشتغال کشور تصمیمی درباره حقوق بگیریم. باید کاری می‌کردیم که اشتغال موجود محفوظ می ماند و زمینه برای اشتغال زایی تازه مهیا می شد. در شرایط فعلی، افزایش دستمزد در برخی صنایع صلاح نبود.” اصغر آهنی‌ها - نماینده کارفرماها در کمیسیون دستمزد، از مخالفین افزایش دستمزد است. شعار اقتصادی ایشان این است “اوضاع کارفرما درام است، دولت پردازد “. در سازمان تامین اجتماعی سمت دارد برای اطلاع بیشتر به نشریه آتیه نو رجوع شود.

سید عبدالوهاب سهل آبادی رئیس خانه صنعت و معدن و تجارت ایران رئیس هیأت مدیره کانون انجمن های صنفی کارفرمایان استان اصفهان اولین دوره و دوره فعلی، رئیس هیأت مدیره خانه صنعت و معدن استان، عضو هیأت مدیره انجمن همگن تولید کنندگان مصالح ساختمانی، رئیس هیأت مدیره شرکت تعاونی تولیدکنندگان شن و ماسه استان اصفهان، عضو کمیته اصلاح ساختار سازمان کار و امور اجتماعی استان اصفهان، عضو کمیته مشاغل سخت و زیان آور سازمان کار و امور اجتماعی در استان اصفهان، عضو کار گروه استانی ستاد تحول در استان اصفهان، عضو کمیته صنعت و معدن ستاد هماهنگی اجرای فرمان جهاد اقتصادی در استان، عضو ستاد تسهیل در استان اصفهان، رئیس هیأت مدیره شرکت پیشروصنعت و معدن زاینده رود اصفهان، عضو انجمن حمایت از زندانیان استان اصفهان، رئیس هیأت مدیره مجتمع سنگ مرصاد، مسئول کارخانه شن و ماسه ۱۱۰ قهاب اصفهان، مدیر عامل شرکت ماشین سازی سپاهان، رئیس هیأت مدیره کارخانه آجر عالی اصفهان.

دو خانم در این جمع حضور دارند که یکی مترجم و دیگری خانم فلورا فروغ مبارکه است که ایشان در زمینه اقتصاد غیررسمی فعالیت می کنند و بیشتر در زمینه آموزش کار می کنند و هر دو به زبان انگلیسی مسلط هستند.

پس با اشاره به سوابق نمایندگان کارفرمایی که گذشته اشان در بالا توضیح داده شد، نمایندگان دولتی و کارگری بیشتر از بخش امنیتی هستند که در کنفرانس سازمان جهانی کار حضور دارند.

در ششم ماه ژوئن به همت بسیاری، تظاهراتی برای اخراج نمایندگان دروغین در مقابل سازمان جهانی کار در حمایت از خواست کارگران ایران مبنی بر اخراج نمایندگان کارگری ایران برگزار شد، چهار نهاد مستقل کارگری ایران در رابطه با اعلام نام نمایندگان واقعی که آی تی یو سی نام اشان را در لیست خودش آورده که بر روی سایت آی ال او نیز می باشد گزارش خودشان را به آی تی یو سی دادند، آی تی یو سی در بخش کمیته آزادی های تشکل مطالب آنها را پخش می کند و به وضعیت زندانیان کارگری که نیاز به همبستگی بیشتری دارند اشاره می کند و هر سال بحث مقاوله نامه آزادی تشکل و حق اعتصاب در ایران را مطرح می کند. یکی از خواسته های اصلی نهادهای مستقل کارگری ایران از نهادهای کارگری جهانی لغو اعتبارنامه بخش کارگری است اما این مشکل تا زمانیکه مدارکی دال بر لغو اعتبارنامه امنیتی های شرکت کننده در کنفرانس نداشته باشند بسیار سخت است. در سال ۲۰۱۴ اعتبار نامه یاراحمدی را مایخه شد و ایشان برای شرکت

در جلسات با مشکل روبرو بود.

نشستهای آی ال او به یکی از مرکزی ترین فعالیتهای جنبش کارگری خارج تبدیل شده است که نباید باشد زیرا نشست آی ال او مکانی است برای اندازه گیری یکی از فعالیتهای یک ساله کارگران ایران. نشست سالانه آی ال او حتما زمانی است که می توان دید جنبش کارگری چگونه هماهنگ فعالیت کرده است. در خارج کمتر به نقاط ضعف اش پرداخته می شود و همیشه گزارشات این نوع فعالیتهای با پیروزی و افتخار همراه بوده. اما اندازه گیری اش در داخل بر این اصل است که فعالیتهای در آی ال او به کار مهمی ختم نشده است چون تاثیر آن را آنچنان در مبارزات خودشان احساس نمی کنند و می گویند فشارها هر روز بیشتر شده و وقاحت حکومتیان بی اندازه که حتی خواهان عضویت در کنفدراسیونها هم می شوند و چرا هر سال آی ال او به ایران می آید و دولت جلوگیری می کند برای حضور اتحادیه های کارگری برای تحقیق و انتقال تجارب؟

نتیجه گیری

نباید بحث را به توهم داشتن یا نداشتن به آی ال او تنزل داد، شاید فعالین کارگری داخل انعکاس فعالیتهای کارگری در سازمان جهانی کار را نمی بینند دلایل متفاوت دارد. فعالیتهای کارگری در بخش های متفاوت وجود دارد و در نهایت نیز سیاسی است ولی فعالیت سیاسی لزوما عمل کارگری نیست. متأسفانه عده ای که خود را منتسب به جنبش سبز می دانند که از بدنه حکومتی آمده است تاثیر منفی در فضای رسانه ای جهانی داشته و نگذاشته اند مسائل کارگری واقعی بر روی رسانه های جهانی بیایید. گاهی با فشار آوردن بر روی بعضی کنفدراسیون های کارگری جلوی حرکت بیشتر آنها را می گیرند، گزارشات نادرست می دهند و جلوی پیوستن نهادهای مستقل به بعضی از کنفدراسیونها را می گیرند و خودشان را تنها منبع حقیقی می دانند. این اپوزیسیون دروغین درون حکومتی در خارج با استفاده از فضایی انتخاباتی داخل کشور سطح گفتمان را تنزل داده اند و تنها در رابطه با انتخاباتها و یا دستگیریهای موردی خودشان نگه داشته اند و دائم وعده تغییرات بنفع مردم را در انتخابات بعدی می دهند. از آنجاییکه شرکت در شورای حقوق بشر برای نهادهای غیر دولتی آزاد است رسانه های ایرانی این گزارشات را منعکس می کنند و جلسات احمد شهید بیشتر برجسته می شود. امروز جنبش کارگری در موارد متفاوت باید از ابزار گوناگونی استفاده کند و از هر کدام از این ابزار باید درست استفاده کنیم. در کنار مشکلاتی که در بالا توضیح داده شد

مسائل دیگری نیز وجود دارد بطور مثال اگر بخواهیم در نشست‌ها آی ال او مسائل واقعی کارگران ایران برجسته شود و این گزارشات مبنای مقالات جهانی باشد باید از دهها نهاد کارگری دیگر بخواهیم که گزارشات درستی که ارائه می‌شود را انتقال بدهند. برای فعالیت روشنگرانه در آی ال او نیاز به گزارشات گوناگون در رابطه با مقاوله نامه‌ها است که به وکلای بیشتری نیاز است. نقض قوانین کارگری و تصویب قوانین ضد کارگری را می‌شود از زاویه حقوقی طرح کرد و مشکلات ساختاری قوانین کار را می‌توانیم نشان دهیم، اگر رژیم در رابطه با قانون استاد و شاگرد یا جداسازی جنسی در شهرداریها برای به اجرا درآوردن این قوانین با مشکل روبرو بود، بخاطر فعالیت‌هایی بود که در همین راستا انجام شد و از همه مهمتر باید بطور مشخص گزارشاتی از تک تک افراد شرکت کننده که از طرف ایران در این نوع اجلاس‌ها شرکت می‌کنند را فراهم کرد. رژیم امنیتی را بر اساس گزارشات سابقه جنایی افرادش باید نشان داد و نشان داد که فعالیت‌اش ضدانسانی است و این نمایندگان در جنایات بر علیه بشریت همراه هستند و کدام یک از این شرکت کنندگان به نوعی در آن نقش داشته‌اند. همان گونه که در گزارشات سال ۲۰۱۴ کارگری عنوان شد. امروزه دهها نهاد برای لغو کار کودک در ایران شکل گرفته است و بحث تشکل مستقل بحث مسلط در جامعه جهانی است. باز نشدن دفتر سازمان جهانی کار، ارتباط احزاب چپ اروپا با تشکلات مستقل کارگری در زمان بررسی سالانه حقوق بشر در ایران گوشه‌هایی از فعالیت‌های بخش کارگری متعلق به سازمان جهانی کار است. این بخش است که در تمامی موارد در کشورهای خودشان مشکلات کارگران ایران را انعکاس داده‌اند.

نگاهی به گزارشات امسال کنفدراسیونهای جهانی در آی ال او بیندازیم و ببینیم که مرکز فعالیت آنها کجا است؟ حقوق بشر کارگری، دستمزد عادلانه، بیکاری، پناهندگی، اشتغال زنان، اشتغال کودکان در شرکتهای زنجیره‌ای جهانی- در بخش کنفدراسیون‌ها - کنفدراسیون جهانی کارگران ساختمانی در رابطه با جام جهانی و ساختمان سازی استادیوم که کارگران قطری بکام مرگ می‌روند و ایمنی کار رعایت نمی‌شود و کارگر مهاجر اذیت می‌شود و حقوق‌اش پامال می‌شود فعال است، کنفدراسیون معادن و پتروشیمی در رابطه با کارگران کلمبیا و در سالهای گذشته کنفدراسیون حمل و نقل و مواد غذایی مرکز فعالیت‌اش ایران بود اما امروز کمتر شده است و دلایل آن بطور مستقیم و غیر مستقیم منتقل شده است.

نهادهای امنیتی ایران در محیط کار فشار را هر روز بر کارگران بیشتر می کنند، جنبش کارگری بهایی بسیاری داده است و برای کوچکترین تغییر خون های بسیاری ریخته شده است. در بیرون از محیط های کار راه های بسیاری بدست آمده است. درست است که گرایشات متفاوت وجود دارد اما جنبش کارگری بر سر یکسری مسائل پایه ای در حال توافق هستند و نیروی مبارز جدیدی را دارند بازتولید می کنند و بسیاری خود را در کنار آنها می بینند. باید در کنار فعالیت مهم مبارزه برای آزادی فعالین کارگری که گاه چندین هزار نفر برای اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده، محمود صالحی، عبدی- مرگ شاهرخ زمانی و بخشنده جمع می شوند، به همان تعداد امضا اعلام شود که ما منافع طبقاتی مشترک داریم و نهادهای کارگری مستقل را به رسمیت می شناسیم و در کنار آنها به مبارزه ادامه می دهیم. کارگران خواستها و مسائل خود را سراسری مطرح می کنند، همگام با تشکلات مستقل کارگری که نوک تیز حمله خود را علیه این یک درصدی ها که همان عوامل اصلی اقتصاد سیاه و ورشکسته سپاه رژیم اسلامی اند گرفته اند و کمپین افشای فیش حقوق های روسا در جریان است و افشای اقتصادی و مالی آنها هر روز ابعاد بزرگتری می گیرد. از این زاویه است که در سطح آی ال او نیز می توان بیشتر روشنگری کرد و تاثیر گذاشت. برای ایزوله شدن نمایندگان رژیم و بهتر شدن زندگی کارگران ایران.

دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۵ - ۲۰ ژوئن ۲۰۱۶

برگرفته از تارنمای □□□□ □□□□